

# ترکیب جمعیت روستایی در ایران

مقدمه

بی شک اصلاحات ارضی اخیر ضربه‌ی شگرفی بر مالکیت بزرگ در ایران وارد آورده . شکفت است که اسلام با تمام قدرت معنوی هرگز نتوانسته بود عمده مالکی را بر اندازد و حتا در مواردی (مثلن در دوره‌ی سلاجقه) تیول داری با وج خود رسید . اسلام گرچه وضع طبقاتی «کاست» دوره‌ی ساسانی را از میان برد و حتا در مواقع تثبیت وضع سیاسی با قانون ارث خود برای دوسه نسل مالکیت را تعدیل کرد ، ولی بهر حال تیول داری و مالکیت بزرگ همچنان حفظ شد و تکامل یافت .

ورود خصوصیات انقلاب صنعتی به ایران و انقلاب مشروطیت تحولی پدید آورد که در تاریخ دراز کشور ما بی سابقه بود . این تحول با اصلاحات ارضی تشدید و تقویت شد . ظاهرن چنین مینماید که از روزگار ان گذشته تا عصر حاضر جمعیت غالب ایران راروستا- نشینان تشکیل میدادند ، در صورتیکه چنین نیست . زمانی در کشور ما گروه‌های زیاد با اقتصاد شبانی و خصوصیات نظام پدر سالاری زندگی میکردند . در دوره‌ی ساسانیان گرچه شهرنشینی رواج یافته بود و اقتصاد روستایی مقامی بلند داشت ولی اقتصاد جنگی ، سپاهگیری و غارت اقوام دیگر ، رکن عمده‌ی سیاست ساسانیان محسوب میشد . زندگی به شیوه‌ی سپاهگیری و جنگ ایجاب میکرد که گروه‌های زیاد بصورت «اسواران» آماده‌ی جنگ و متمیز باشند ، و محصولات کشاورزی و دامی کشورهای همجوار را بایران بیاورند .

بی شک وضع جغرافیایی فلات ایران که مراتع فراوانی دارد و کمی‌ی آب در آن که کافی برای زراعت نمیباشد ، در رواج زندگی عشیره نشینی عامل مساعدی بوده است .

مقارن حمله‌ی اسلام ، بنا بر نوشته‌ی طبری ، کثیر العده ترین طبقات رازارگان و فلاحان تشکیل میدادند که در جنگ ساسانیان با اعراب بی طرف ماندند . پس از ورود اسلام بایران وساکن شدن عشایر عرب در نقاط خوش آب و هوا و سپس با آمدن ایلات ترک گرچه جمعیت عشایری ایران فزونی یافت ، ولی قسمت مهم جمعیت را همچنان روستا نشینان تشکیل میدادند . خصوصیات زندگی عشایری (شبانی) و نظام پدر سالاری در ایران این دوره بیشتر از جهت اداره‌ی مملکت و به لحاظ اینکه عشایر افواج نظامی در اختیار داشتند حائز اهمیت بود . همین ایلات به مرور زمان و در اثر تکامل جامعه در روستاهای ایران ساکن میشدند و از اقتصاد شبانی دست میکشیدند .

کمال فتودالیزم در دوره‌ی سلاجقه و پس از آن گرچه جمعیت روستایی ایران را توسعه

داد اما جمعیت عشایری همچنان قابل ملاحظه بود بطوریکه در دوره‌ی قاجاریه، به حکایت سالنامه‌ی ایران، نوشته‌ی اعتمادالسلطنه به سال ۱۲۹۰ ه. ق. تا پنج میلیون از جمعیت ایران را عشایر و ایلات تشکیل میدادند. در آن زمان جمعیت ایران بالغ بر ۱۱۵۰۰۰۰۰ نفر بود. از این عدد ۵ میلیون بادیه نشین و ۱۵۶۰۰۰۰ نفر هم (در حدود ۱۳٪) شهر نشین بوده‌اند. جمعیت شهر نشین تنها در ۱۲ شهر زندگی میکردند است.

بنا بر سرشماری سال ۱۳۳۵ ه. ش. جمعیت ایران بالغ بر ۱۸۹۵۴۷۴۰ نفر میشد که ۳۱/۴٪ آن شهر نشین بوده و بقیه یعنی ۸۶/۶٪ در خارج شهر سکونت داشته‌اند، و از این عده قریب به ۵ الی ۶ درصد چادر نشین میباشند. باین ترتیب معلوم است که قسمت مهمی از ایلات و عشایر اسکان شده و از زندگی شیبانی به زندگی کشاورزی روی آورده‌اند. زندگی روستا نشینان که مورد مطالعه ماست امروز دستخوش تحول عظیمی میباشند. جالب است که آمدن مذاهب گوناگون بایران و حملات خانمان بر انداز اقوام غالب و حوادث مختلف دیگر در طی قرون متعددی نتوانست ترکیب اجتماعی روستاها را دگرگون کند، ولی ورود صنعت جدید و انقلاب مشروطیت با نتایجش در حدود نیم قرن بعد، تحولی شگرف در ترکیب مذکور بوجود آورد.

### گروه‌ها و قشرهای روستایی در ایران

در ایران قبل از ۱۳۴۱ بورژوازی روبه تکامل میرفت و ماشین و ماشینیسیم نه فقط در شهرها گسترش مییافت بلکه بدهات نیز کشیده شده بود. تراکتور اندک اندک جای گاواهن را میگرفت و ترکیب اجتماعی روستاها به تدریج دگرگون میگردد. کشاورزان ایران که جمعیتشان به ۱۴ الی ۱۵ میلیون نفر بالغ میگردد به گروهها و قشرهایی تقسیم میشوند. بنا بر آمار زیر وضع گروهها و قشرهای مختلف در روستاهای ایران بخصوص در دهاتی که نزدیک شهر قرار دارند بقرار زیر است.

**اول گروه وسیع رعایا** که خصوصیات آنها طبق اصطلاح موجود کاشت و داشت برداشت، است، بنا بر سرشماری ۱۳۳۵ تعداد این گروه به ۳ میلیون میرسد. این گروه به قشرهای زیر تقسیم میشد:

رتال جامع علوم انسانی

الف - بزگر .

ب - آبیاری .

ج - دروگر .

رعیت‌ها، بندرت دروگری میکردند و بیشتر برای اینکار کارگر روزمزد میگرفتند. رعیت کسی بود که در روی تکه زمینی بکارزراعت مشغول میشد و رابطه‌ی خاصی با مالک پیدا میکرد. این تکه زمین از ۶ هکتار تا ۳۰ هکتار میرسید (البته در دیم بیشتر). رعیت ممکن بود پس از دو سال کار در زمین، حق گاوبندی پیدا کند و نیز ممکن بود این مدت بیش از دو سال باشد. عموماً این حق پس از برداشتن ۳ خرمن یا چند سال کشت و زرع کردن توسط ابا و اجداد بدست میآید.

ممکن بود رعیت گاو بند باشد و گاو نداشته باشد. رابطه رعیت و ارباب رابطه‌ی مزارعه بود (غیر از رابطه مزدوری).

رعیت در واقع زمینهای اربابی را کرایه میکرد، و محصول با در نظر گرفتن پنج عامل زمین، آب، بذر، کار، و گاو که البته وضع و ترکیب آنها در هر قسمت از مملکت متفاوت بود بین او و ارباب تقسیم میکردید. باید افزود که اصول روستابندی (سرواز) در ایران وجود نداشت و رعایا بزمین وابسته نبودند، و با آن خرید و فروش نمیشدند، با اینحال رعایا حاضر نبودند از زمین آبا و اجدادی دست بردارند و بالنتیجه با زمین خرید و فروش میشدند. اما **دوم گروه گاو بند**. رعیتی که حتی بزمین زراعتی پیدا کند گاو بند محسوب میشود. اما کسانی که در ده گاو کرایه میدهند گاو بند محسوب نمیشوند، و اصولن صاحب گاو بودن و گاو بکرایه دادن ارتباطی با گاو بندی نداشت.

گاهی گاو بندها با حفظ حقوق گاو بندی، بر اثر نداشتن توانایی ی کار، یا بر اثر پیدا کردن وضع بهتر، زمین را به مستاجر کرایه میدادند و از روستا خارج میشدند. علت کرایه دادن زمین این بود که هر گاه زمین را بی کشت می گذاشتند حق گاو بندی خود را از دست میدادند.

در بعضی از نواحی ایران رعیت هایی بودند که حق گاو بندی نداشتند. ولی بیشتر رعیتها دارای این حق بودند.

**سوم گروه صیفی کارها**. عده ای از رعیتها صیفی کاری هم میکنند.

**چهارم گروه خوش نشینان**. مشتمل بر بازاریان ده، پرولتاریای ده (عمله ها و کارگران)، عناصر بیکار و نیمه بیکار، و باغداران. (جمعیت این گروه به بیش از ۱۱ میلیون نفر میرسد). آن قسمت از خوش نشینان که بازاریان ده را تشکیل میدادند مشتمل اند بر:

۱- پیلهوران (۱). در بعضی روستاها که نزدیک شهرهای بزرگ قرار دارد واسطه های شهری سرمایه گذاری کرده اند. پیلهوران از روزگاران گذشته در ایران بوده اند.

۲- نجاران

۳- آهنگران

۴- حمامیها

۵- سلما نیها

۶- سلف خرها (در اطراف شهرهای بزرگ واسطه ها و دلالهای شهری جای سلف خرها را در روستاها گرفته اند).

آن قسمت از خوش نشینان که از پرولتاریای ده (کارگران و عمله ها)، و عناصر بیکار و نیمه بیکار و باغداران تشکیل شده اند مشتمل اند بر:

۱- دروگر (که اغلب روز مزد و مقطعه کار میباشد و میان آنها از کارگران قالی باف و سایر صنایع دستی تا عمله های راه دیده شده).

۲- عمله ها و کارگران متفرقه

۱) پیلهور بر وزن شیشه گر، شخصی که دارو و اجناس عطاری و سوزن و ابریشم و مهره و امثال آن بخانه ها گرداند و فروشد «برهان قاطع». در بازار آنجا از بقال و عطاری و پیلهور هر چه فروشند باردان آن از خود بدهند، اگر زجاج باشد و اگر سفال و اگر کاغذ. «سفرنامه ی ناصر خسرو، ویراسته ی محمد دبیرسیاقی، ص ۶۸»

- ۳- باغداران
- ۴- نیمه بیکاران و بیکاران
- ۵- چوپانان
- ۶- صیفی کاران

پنجم گروه مالکان (بیشتر مالکان جزو گروههای شهرنشین درآمده بودند). ششم گروه خرده مالکان. کسانی که از یک هکتار زمین تا ۱۰۰ هکتار، و در مواردی هم بیشتر داشتند، و در آن بکشت و زرع میپرداختند خرده مالک محسوب میشدند. خرده مالکان گاه رعیت داشتند و بدست آنها زمین را کشت میکردند.

خرده مالکان یکی از گروههای مقتدر دهقانی را تشکیل میدادند، این گروه اکثرن مالک تکه زمینی بودند، و با ابزار کشاورزی و گاهی هم تراکتور بطور مستقل زمین خود را کشت میکردند. خرده مالکی در ایران اشکال مختلف دارد. اما از مطالعاتیکه شده معلوم گشت خرده مالکان قشرهای زیادی دارند:

۱- خرده مالکینی که تنها چند (در حدود ۳ تا پنج) هکتار زمین دارند و در آن با خانوادهی خود به زراعت سرگرمند.

۲- خرده مالکینی که برزگر و کشاورز (دهقان روز مزد) میگیرند و زمین خود را کشت میکنند.

۳- خرده مالکینی که رعیت دارند و مانند یک مالک کار میکنند.

آمار دقیقی از خرده مالکین تهیه نشده اما بموجب آمار وزارت کشاورزی تعداد خرده مالکین ایران در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر میباشد.

خرده مالک در نقاط مختلف کشور و در میان زمین داران و مالکان معانی مختلف داشت، در آذربایجان هر کسی کمتر از ۵ الی ۶ ده میداشت خود را خرده مالک میدانست، در گیلان خرده مالکی نسبت بقوطی برنج، و جریب سنجیده میشود، در نقاط دیگر معانی کم و بیش متفاوتی دارد (۲).

هفتم گروه خان یا بیک که اغلب در نواحی عشایری هستند (مالک، حشم دار، صاحب مرتع).

هشتم گروه کدخدایان.

نهم گروه مباشر.

دهم گروه مستاجر که بیشتر از دهقانان میانه حال بودند و جزء بورژوازی شهری که در دهات نفوذ کرده بود. هر مستاجری مباشر نداشت.

یازدهم گروه آخوندوملا.

دوازدهم دشتبان (که نماینده مالک است).

سیزدهم گروه خوشه چینان که کارشان جمع آوری خوشه های باقیمانده بود.

## خسرو خسروی

۲) تعاریف بالا از نشریهی کشاورزی بنام گزارش فنی شمارهی یک بررسیهای دهرداری ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ تهران اقتباس شد و ممکن است این تعاریف که در اکثر نقاط ایران صدق میکنند در موارد خاصی هم کاملن منطبق نشود.